

نوشتاری تأثیری به بهانه دواثر منتشر شده از اری دلوکا

ملودرام‌هایی برای یک خاطره مخدوش

حامد داراب | روزنامه‌نگار



اری دلوکا، نویسنده ایتالیایی

اری دلوکا، نویسنده‌ای است که بیشتر با زبان شاعرانه و شهود ادبی اش شناخته می‌شود، زبانی که بر زمینه عاطفه و تخیل شکل می‌گیرد. او در داستان‌هایش واقعیت و خیال را با هم می‌آمیزد و جهانی خلق می‌کند که مختص اوست؛ جهانی که برای او ادبیات است؛ و همین ادبیات او را واداشته تا بنویسد؛ خودش در این باره می‌گوید: «ادبیات تا پایان دنیا هم ماجراهایی برای تعریف کردن دارد. تجربه، شناخت، سنت و دین به وسیله داستان‌های شفاهی یا نوشتاری به ما رسیده و نسل بشر همیشه روزگار داستان‌سرا و روایتگر بوده و خواهد بود. یک سری تکنولوژی‌های نوین نمی‌توانند لذت تاریخی داستان‌سرایان را دگرگون کنند.»

دنیشای کتاب‌های دلوکا، دنیشای کوچکی است از تکه‌تکه‌های جهانی که او خالق آن است؛ کتاب‌هایی که خود یک جهان‌اند؛ جهانی در شرح شهود که توصیف گوشه‌های اعتزالی‌آمیزی است که نویسنده و قهرمانش از آن جدا فضاهای عظیم، به همه دنیا نگاه می‌کنند. انگار از پنجره کوچکی در حال تماشای همه وسعت جهان‌باشی و البته در حال تأمل درباره حس و حالی که با این تماشای هم‌راه و همراه است. فضای کتاب‌های دلوکا فضایی «روحانی» است. از این منظر، به فلسفه بیشتر می‌پردازد تا به رمان. شاید روحانی کلمه مناسب‌تری باشد، با همه صفا و عزلتی که در این کلمه هست و این دلوکا است که بیان آن‌تجایی‌بیش می‌رود که عزلت‌نویسنده و آشپز به نوعی ملودرام‌سوزناک منتهی می‌شود. روایت گزارش گونه اری دلوکا درباره وضع مهاجرت انبوه و غیرقانونی به ایتالیا در ۲ دهه اخیر، ماجرای

لیداز گالیماز: اری دلوکا نویسنده‌ای مینی‌مالیستی و از نویسندگان مطرح و تأثیرگذار ادبیات امروز ایتالیا است. دلوکا در ۱۹۵۰ در ناپل متولد شد. او خود آموخته زبان عبری و مترجم قسمت‌هایی از کتاب تورات است. یک کاتولیک معتقد که نویسنده‌ی را از ۲۰ سالگی شروع کرد. «حالا نه، این‌جانه» نخستین کتابی بود که موفق شد سال ۱۹۸۹ در ایتالیا منتشر کند و پس از آن کتاب‌های بسیاری نوشت که اغلب آنها به وسیله انتشارات معروف «گالیماز» به فرانسه ترجمه شده و با اقبال خوبی در ایتالیا و فرانسه روبرو بوده‌اند. «موتنه دیدیو: کوه خدا» (این رمان موفق شد جایزه فرانسوی کتاب خارجی فمینا را در سال ۲۰۰۲ از آن نویسنده خود کند)، «نامه به فرانچسکو»، «ابری مثل فرش»، «اسید، رنگین کمان»، «بالا دست چپ»، «تو، مال من»، «سه اسب» از مهم‌ترین این آثار است. این روزها دواثر جدید از این نویسنده: «رنگ پروانه» و «آسمان در یک آخور» که بعد از «موتنه دیدیو: کوه خدا» که چندسال پیش با ترجمه زنده یاد مهدی سجایی منتشر شده بود، به فارسی برگردانده شده.

داستان کوتاهی به نام «آسمان در یک آخور» است که در کتابی مستقل به همین نام منتشر شده است. ماجرای این کتاب در واقع روایت فرار یکی از سربازان ایتالیایی از ارتش این کشور در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم است و اتفاقاً پدر خود نویسنده - ستوان آلدو دلوکا - شخصیت اصلی این گزارش داستانی است. البته انگیزه اصلی دلوکا در نوشتن این داستان گزارش گونه اشاره‌های است به وضع مهاجرت انبوه و غیرقانونی به ایتالیا در ۲ دهه اخیر و فجایعی که در پی آن روی داده است. بارها قایق‌ها و لنج‌های مهاجران چه از شرق اروپا و چه از آفریقا دچار طوفان شدند و عده زیادی بر اثر آوارگویی در دریای قرق شدند و تنها راه‌حل را دولت ایتالیا در ایجاد

انتخاب شده‌اند. سال‌هاست هردوشان در یک قلمرو زندگی می‌کنند و می‌دانند که آن روز به‌خصوص، روز آخر است؛ کتاب زبانی شعر گونه و بیانی حماسی دارد و دلوکا در این اثر با کنار زدن عناصر اصلی جمله مثل فاعل و فعل، زبان را به مفهوم خاصی آن به کار می‌گیرد و ساختار آن را می‌شکند. تکه‌تکه‌هایی از جملات بریده بریده می‌سازد که برای خواننده زحمت کنار هم گذاشتن قطعات، پر کردن فضاهای خالی و طراحی چارچوب‌های داستان باقی می‌ماند.

«ملاقات با یک درخت»، داستان یک کاج کوهی در ارتفاعات فانس است که نویسنده سالی یک بار از کوه فانس بالا می‌رود تا به درخت سلامی بدهد و در کنار و زیر سایه‌ان بنشیند و داستانش را بنویسد. ملاقات با یک درخت، داستان فقدان و تنهایی بشر امروز است و دلوکا این ارتباط دوسویه بین انسان و درخت را بی‌ریک و درون‌مایه اصلی داستانش قرار داده تا این فقدان و تنهایی را بهتر نشان دهد. درخت تنهای آلدو کا، انگار یادآور «درخت بخشنده» شل سیلور استاین است. خواننده در این داستان، با نثری شاعرانه به مدد تخیل قوی دلوکا همراه می‌شود تا خود را در این ارتباط منولوگ که یک تک‌گویی بلند است، پیدا کند؛ ارتباطی که در مرزهای واقعیت و رویا برسه می‌زند تا تنهایی درخت و انسان را به آغوش کشد.

* «وزن پروانه» اری دلوکا اثر ترجمه زهره بهرامی انتشارات آفسون خیال / چاپ اول، ۱۳۹۲

* آسمان در یک آخور اری دلوکا اثر ترجمه رضا قیصریه / نشر آفسون خیال چاپ اول، ۱۳۹۲

نگاه منتقد

درنگی بر مجموعه شعر حسین نجاری

در پایتخت غزل

حامد رحمتی |

کتاب حاضر است. مولف در برخی از آثار خود بسیار ایده‌آل‌گراست و این فرآیند مدینه فاضله‌ای را در محاق برای مخاطب ترسیم می‌کند که گاه بازدارنده است و این مکاشفه درونی، رجعتی به باورهای آرمانی است که در جهان امروز امکان تحقق آن دشوار است.

همه سالمانیم و همواره لنگ / همه صالحانیم و در حال جنگ / قلم کردن پای سسرو قلم / چنان عرصه را کرده بر خامه تنگ / که آهسته از تنگ‌ها می‌رویم / قلم‌هایمان همچنان دوش‌فنگ... ص ۸۷

از دیگر آسیب‌های کتاب حاضر ضعف شاعر در پرداخت رویدادهای شاعرانه است. گویی شاعر با ذربین، به بزرگنمایی عناصر اجتماعی می‌پردازد، مثل جنگلی که از دور زیباست اما شاعر دست مخاطب را نمی‌گیرد و این مکاشفه را با جارجات روایتی به مخاطب نمایان می‌سازد. نجاری کشف هوشمندی است اما ستاره‌ها در غزلش تنها از دور رصد می‌شوند و شاعر با محافظه کاری رنج عمیقی را بر آثارش تحمیل می‌کند

همواره استوارتر از دست / اهنی / ازیر هجوم این همه ساطور مانده‌ام / ارگ‌های من قزل اوزون خون بایک است / آن قلعه‌ای سترگم و مهجور مانده‌ام / کنج قفس شکوه مرا کم نمی‌کند / زیرا پلنگ دشتم و مغرور مانده‌ام / این فتنه با مفاهیم پایان نمی‌رسد / تا بر فر از دار چو منصور مانده‌ام... ۱۳

قسمتی از این غزل را از نظر بگذرانید کهن‌گویی شاعر صرفاً در سطح بیان شناور است. این مفاهیم دور است که صرفاً معنی را می‌سازند و قاعده‌افزایی شاعر به نگاه اساطیری تقلیل می‌یابد. بابک در ساختار اثر به استحاله نوبدل نمی‌شود. بایسته است شاعر در کار کدهای تاریخی دست به تقدس‌زدایی بزند یا دل این کلان روایت‌ها را به بازآفرینی تاریخی دست یازد، شاعر تاریخ را تکرار می‌کند و این تکرار به ارزش و اعتبار ادبی آثار چیزی نمی‌افزاید.

حسین نجاری خویش را می‌سراید و آگاهی او قابل کتمان نیست اگر به عناصر هستی دهنده غزل‌ها عمیقاً بنگریم، شاعر با زبانی فاخر، هستی را می‌کود، شاعر می‌توانست از مسائل و هنجارهای روزمره بهره جوید و به دل از آشوب جامعه‌ای هجوم ببرد که هزاران رنج در پستوها پنهان دارد. نجاری باید حقایق شعر امروز را با آغوش باز بپذیرد و این مسئله استوار خویش را در زبانی دیگر به تمکین برساند که به قرار دادهای امروز نزدیک است. این لحن نسبتاً فاخر مناسبی با رفتارهای پیش‌رو ندارد اما شکی در این نیست که انتشار این دفتر قطعاً دلگرم‌کننده است و باید نیمه‌خالی غزل او با تمام ابعادش امضای خود را بر سر لوحه خویش دارد.

غزل نجاری بسیار خوش ساخت است و این نشان‌دهنده ذکاوت شاعر و مطالعه دقیق او در عرصه غزل امروز است. دوری جستن از اطناب، رسیدن به زبان خاص و کشف چشم‌انداز بکر و ایجاز در لایه‌های مهم معنایی از شاخصه‌های

میراث زنده‌یاد حسین منزوی برای شهر زنجان، این خطه کوهستانی بی‌گمان بسیار ارزشمند است. غزل‌سرایان جوان با استواری و درایت در خور توجهی، اندیشه خویش را می‌نگارند و بی‌شک زنجان را باید پایتخت غزل معاصر نامید که در این حوزه توانسته‌اند توانایی خویش را نشان دهند. در این مجال کوتاه نمی‌توان از شاعران نام برد البته باید منتظر بود و کارنامه آنها را با معیارهای روز واکاوی کرد که بسیاری از شاعران غزل‌پرداز در دام سائتی مانتالیسم اسیر شده‌اند و غزل آنها بیشتر رنگ جشنواره‌ای به خود گرفته‌اند و باید اذعان کرد از آن حالات و کلام نافذ منزوی نه تنها در غزل و آفرینه‌های استان زنجان بلکه در سراسر کشور نمی‌توان نشانی گرفت. هرچند به‌عنوان یک شاعر نوگرا غزل را نمی‌توانم در تمام ابعاد بپذیرم زیرا غزل در بافت و ساختار غایی خویش نمی‌تواند به حوزه‌هایی متکثر معنایی گام نهد و شاعر غزل‌سرا باید در یک قالب محدود و با ابزاری محدود که برآمده از تغزل است دست به آفرینش بزند، زیرا جامعه ایرانی در حال گذار از مدرنیته است و هنوز فرآیند دست‌وپاگیر سنت در بسیاری از حوزه‌ها همچنان به خلاقیت و قریحه سرکش

شاعران آسیب می‌زند. اما این قاعده در مورد شعر حسین منزوی کاملاً تفاوت ماهوی دارد و یک مقایسه مع‌الفارق است. حسین منزوی با حفظ دستوردهای غزل توانست در ایجاد مضامین نو و معانی بدیع همت گمارد و از این قاعده منسوخ و نفسگیر عدول کند اما غزل امروز هنوز نتوانسته از سایه بزرگانی چون منوچهر نیستانی، حسین منزوی و دیگر پیشگامان این عرصه، پیشی بگیرد. با این تمهیدات می‌خواستم به فقر اندیشه در غزل امروز اشاره کنم.

شاعران با زبان و قرار دادهای امروز به وصف یاری می‌پردازند و این فرآیند بسیار آزار دهنده است، اما در این میان حسین نجاری با کتاب تازه‌اش حرف‌های تازه‌ای دارد که در نوع خود بسیار متعالی‌اند. غزل نجاری دارای اندیشه‌های مستحکم است. اندیشه‌ای که سرشار از موتیف‌های شاعرانه است. نمی‌خواهم نان قرض دهم و بگویم اندیشه ایشان جهان را لرزاند است، نه اندیشه این غزل‌سرا منحصر به فرد و کاملاً اختصاصی است و با قرائت آثار به روشنی می‌توان دریافت آفریننده‌ای این کتاب رفتاری دارند و روپای کسی هم در این آثار به چشم نمی‌خورد و مولف می‌خواهد خودش باشد و جهان خویش را بسراید و این جسارت بسیاری بدیل وارزشمند است. زیرا جی‌اس‌الیوت معتقد است شاعران بزرگ همواره یک سلسل ادبی را نابود می‌کنند و نجاری هم با درایت به چنین نکته‌ای واقف است و از کاربزمای هولناک حسین منزوی به شدت دوری می‌کند و غزل او با تمام ابعادش امضای خود را بر سر لوحه خویش دارد.

غزل نجاری بسیار خوش ساخت است و این نشان‌دهنده ذکاوت شاعر و مطالعه دقیق او در عرصه غزل امروز است. دوری جستن از اطناب، رسیدن به زبان خاص و کشف چشم‌انداز بکر و ایجاز در لایه‌های مهم معنایی از شاخصه‌های

پیشخوان کتاب

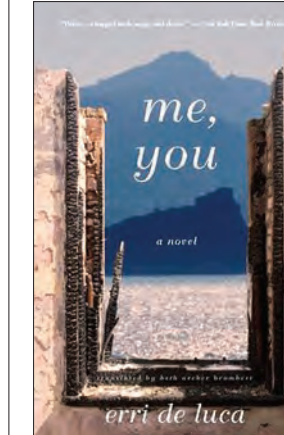
آداب سردستی شهر و ند بودن

فاطمه رحمدل |

پیوستگی تفکیک‌ناپذیر آیین‌شهروندی و مشارکت‌های مدنی است و در مرکز سیاسی جغرافیایی به نام شهر اتفاق می‌افتد. هابرماس جامعه مدنی را حوزوهای می‌داند که در آن تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعلاعه شهروندی به‌شهرتین شکل ممکن، احترام به حقوق یکدیگر و... با هدف یادآوری اصول و قواعد شناخته‌شده در جامعه و ارزش‌های انسانی در آن و اهمیت تعهد به آنها در باب زندگی شهروندی پرداخته است. توجه و عمل به چنین نکات ظاهر ساده و پیش‌با افتاده‌ای است که می‌تواند محیط زندگی‌مان را به سوی بشریت و داشتن جامعه‌ای ایده‌آل همراه با شهروندی نمونه سوق دهد. استفاده از تصاویر مرتبط با مفاهیم، زبان ساده در بیان مطالب و همین‌طور اندازه کوچک و حجم کم، استفاده از این کتاب را برای شهروندان و علاقه‌مندان به زندگی‌ای سالم و آرام در اجتماع، آسان‌تر کرده است.

بعضی‌ها می‌پرسند، مگر امکان دارد که فوت‌وفش شهروندی را بسا کتاب یاد گرفت؟ پاسخ ما نیز یک نه قاطع به این موضوع است اما تجربه نشان داده که کار نیکو کردن از پر کردن است. جامعه ما برای فرهنگی شدن و اخلاقمند شدن به رفتار فرهنگی نیازمند به این است که مطالعه کند. مطالعه را باید از کودکی شروع کرد. هر خانواده به جای وقت تلف کردن پای تلویزیون و تماشای برنامه‌های بی‌اعتبار باستانی کتاب‌خواندن و مطالعه را به فرزندان و اعضای خود بیاموزد. با مطرح کردن یک معادله خیلی ساده، موضوع نیاز به مطالعه را بی‌ی می‌گیریم. فرض کنید که به یک بیماری مبتلا گشته‌ایم. آیا برای درمان بیماری هزینه نمی‌کنیم؟ آیا این در و آن در نمی‌زنیم تا به راهی متناسب برای درمان درد خود برسیم؟ بی‌فرهنگی و کم‌فرهنگی و بد فرهنگی از جمله بیماری‌هایی است که مردم جامعه ما از آن در رنج و عذاب هستند. می‌شود این بیماری‌های موجود را درمان کرد. عجلالتا برای دست‌گرمی بیابیم و یک کتاب را ورق بزنیم؛ صد و چند نکته فرهنگ شهروندی به زبان خیلی خیلی ساده

شهروندی و جامعه مدنی دو مفهومی است که همواره با یکدیگر همراه بوده‌اند. بسیاری از اندیشمندان، جامعه‌مردن را جامعه‌مدنی می‌دانند، چراکه مهم‌ترین ویژگی جامعه‌مردن،



کتاب شهروندی

شهر و ندو نهادهای اجتماعی

در سلسله واژگانی که به زبان و ادبیات سیاسی ایران راه یافته سابقه‌های طولانی ندارد. اما برای بهتر شناختن گستره این مفهوم می‌توانیم به دوره اوایل مشروطه بازگردیم که ایران، یکی از نهادهای قدرتمند شهروندی یعنی مجلس شورا را تأسیس کرد و نمایندگانی خوب و شایسته و اندیشمند و دلسوز را به مجلس رساند تا در آن‌جا به مسائل عمومی مردم جامعه رسیدگی شود. در برخی فرهنگ‌های جهان، مفهوم نهاد به برقرار کردن، ساختن و ثابت کردن یک موضوع در دل یک جمعیت برمی‌گردد.

تعیین نهاد اجتماعی همان موسسه یا سازمان اجتماعی است. این مفهوم در سلسله‌های از تشکیلات

ارزش‌ها، شیوه‌های قومی، آداب و رسوم و قوانین می‌دانند که نقش آن تثبیت رفتارهای مناسب برای رشد و توسعه کارکدهای اساسی اخلاقی، رفتار شایسته و اندیشه‌های یوبادر یک جامعه است.

هر گاه بخواهیم تعریف مدونی از نهاد به‌دست دهیم، می‌توانیم بگوییم که نهاد عبارت است از نظام سازمان‌یافته‌ای از روابط اجتماعی که در برگیرنده برخی از ارزش‌ها و فرآیندهای مشترک است و برای پاسخگویی به برخی از نیازهای اساسی جامعه وجود آمده است. هر جامعه‌ای در ارتباط با بقا و رفیع نیازهای اجتماعی اساسی خود، وظایف یاد کار کردهای مهمی برعهده دارد.

تقدسه

شهروندی یکی از نقش‌های اجتماعی اصلی افراد در جامعه مدرن است. برای رسیدن به این نقش، ضروری است که نکات مشترک شهروندان و شهر را به خوبی شناخت و به بررسی آنها کمر همت گمارد. سلسله مفهومی‌های شهروندی را می‌توان در سرصل‌های زیر بازخوانی کرد:

- ۱- حقوق، وظایف و تکالیف شهروندی
 - ۲- مسئولیت‌شهروندی
 - ۳- مشارکت‌شهروندی
 - ۴- برابر سازی شهروندی
 - ۵- حمایت و ضمانت دولت برای تحقق شهروندی
 - ۶- نهادینه‌شدن شهروندی
- از میان همه مفهومی‌هایی که شهروندی را جذاب می‌کند، نهادینه‌شدن شهروندی بیش از هر چیز نیاز به بررسی و شناخت دارد. به راستی نهادینه‌شدن یعنی چه؟ به مفهوم نهاد توجه کنیم: نهاد اجتماعی همان موسسه یا سازمان اجتماعی است. این مفهوم